

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Evolution of Spatial Organization in Historic Shushtar
(From the Advent of Islam to the Pre-Safavid Era)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

جستاری بر سیر تحول سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر
(از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه)*

آرزو افشارباقری^۱، علی عمرانی پور^{۲،۳*}، محسن وفامهر^۴

۱. گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

۳. گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، ایران

۴. گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

چکیده

بیان مسئله: شهر تاریخی شوشتر، پیش از دوره اسلامی تحت تأثیر آب شکل گرفته است و رودخانه به‌عنوان بستر طبیعی بر تکوین ارزش‌های مذهبی، اقتصاد، سیاست، نیازها و فعالیت‌های زیستی تأثیرگذار بوده اما این شهر متأثر از ورود اسلام و آیین‌های دینی-مذهبی دستخوش تغییراتی شده است. این پژوهش به دنبال بررسی چگونگی اثرگذاری عنصر طبیعی آب و رودخانه، عناصر انسان‌ساخت شهری، فعالیت‌های انسانی مانند کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آب در پیوند با تاریخ بر سازمان فضایی این شهر است.

هدف پژوهش: هدف پژوهش، بررسی عوامل و مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه است تا تصویری از سازمان و نظم درونی آن به دست آید.

روش پژوهش: این پژوهش، با روش تاریخی-تفسیری و تکیه بر مطالعه اسناد، مدارک و مستندات تاریخی، به جست‌وجو در حوادث، اتفاقات و شرایط اثرگذار در شوشتر دوره اسلامی تا پیش از عهد صفویه پرداخته و با روایت و تفسیر تاریخ، سازمان فضایی این دوره تاریخی را به تصویر کشیده است. سپس، به شیوه مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه، یافته‌ها و مشاهدات میدانی را راست‌آزمایی کرده است.

نتیجه‌گیری: جمع‌بندی پژوهش نشان می‌دهد، آب همچنان عامل محدودکننده، شکل‌دهنده و تقویت‌کننده سازمان فضایی شهر است. برخلاف شهر پیش از دوره اسلامی که ارزش‌های مذهبی و عقاید سبب گسست در بخش مردم‌نشین شد، در دوره اسلامی اگر چه مسجد جامع ابتدا با فاصله از بخش مردم‌نشین قرار گرفت اما بمرور زمان یکپارچگی به همراه داشت و نه تنها بخش مردم‌نشین بلکه مرکز اقتصادی شهر نیز از هسته نیایشی-مذهبی تبعیت کرد. این شهر به دلیل حاکم‌نشینینی و توجه نظام سیاسی-حکومتی و اولویت یافتن ارزش‌های دینی تحت تأثیر بستر طبیعی، نیازها و فعالیت‌های زیستی متفاوتی با دوره پیش از اسلام را تجربه می‌کند.

واژگان کلیدی: شوشتر، شهر تاریخی، دوره اسلامی، سازمان فضایی، سیر تحول.

مقدمه

با یکدیگر در محیط استقرار می‌یابند و قلمرو وابسته به «ذهن» و «فعالیت» را می‌سازد که شهر نامیده می‌شود (Mansouri, 2007, 50). سازمان فضایی شهر ماباء «نظریه عمومی سیستم‌ها» است و با شناسه‌های نسبتاً مشابه آن به شناخت شهر به‌عنوان یک «کل» معنادار کمک می‌کند (Sarfrac & Teimoury, 2013, 12). مشاهدات سیاحان از شهر تاریخی شوشتر بیانگر آن است که نحوه سازمان‌یافتگی عناصر و اجزای مختلف این شهر و رابطه آنها با یکدیگر در مجاورت و تعامل با رودخانه عامل تولید معنای شهر

شهر، محدودهای متصرف‌شده از فضا است که عناصر زندگی انسان اعم از مادی و معنوی در آن مستقر می‌شود. شهر در ابتدا وجود نداشته است؛ لکن به تدریج و به دنبال تعریف نیازهای زیست انسان عناصری پدید می‌آید که در تعامل

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «آرزو افشارباقری» با عنوان «عشق‌گذار آب در ساختار طبیعی-فرهنگی و معماری شهر تاریخی شوشتر» است که به راهنمایی دکتر «علی عمرانی پور» و مشاوره دکتر «محسن وفامهر» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۴۰۴ انجام شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۷۰۱۰۸۴@ut.ac.ir

که بیان‌کننده نظام حاکم بر اجزای کالبد شهر است، به‌نحوی که کلیت آنها یک مجموعه هدفمند را تشکیل داده و هر یک نقشی مشخص در تحقق زندگی اجتماعی در بستر شهر بر عهده داشته‌اند. السلیم (Al-Salim, 2021) با مطالعه چگونگی شکل‌گیری سازمان فضایی شهرهای مذهبی بر پایه مرکز مذهبی به تبیین چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌های رفتاری و سکونتی پیرامون مرکز مقدس شهر پرداخته است. کتاب «سازمان فضایی شهر ایرانی در دوره اسلامی» (Mansouri et al., 2020) که با بررسی آرا و نظرات مختلف در رابطه با شهر، به تعریف سازمان فضایی در شهرهای ایران از جمله قزوین، تبریز، بوشهر، گرگان و یزد می‌پردازد و آن‌ها را مبتنی بر چهار رکن اساسی مرکز، کل‌های کوچک، ساختار و قلمرو معرفی می‌کند. منصور و همی (Mansouri & Hemmati, 2021) در مقاله‌ای به ارزیابی تعبیر پژوهشگران فارسی‌زبان در بیان مفهوم سازمان فضایی پرداخته‌اند. منصور و محمدزاده (Mansouri & Mohammadzadeh, 2018) در مقاله «تحولات سازمان فضایی شهر تبریز»، محدودیت‌های ساختار زمین در منطقه شمال‌غرب ایران را به‌عنوان عامل برپاسازنده شهر و زلزله و حمله‌های کشورهای همسایه را به‌عنوان عامل تهدیدکننده این شهر در طول تاریخ معرفی می‌کنند. منصور و دیزانی (Mansouri & Dizani, 2016) در کتاب «سازمان فضایی شهر قزوین» با مطالعه تحولات تاریخی منظر شهر قزوین و تغییرات آن طی دوره‌های تاریخی را با بررسی مرکز، ساختار، محلات و قلمرو تحلیل می‌کنند. زکوات (Zekavat, 2012) در مقاله «جایگاه سازمان فضایی در طراحی شهری»، مفهوم ساختار و سازمان را بررسی می‌کند و نهایتاً هر شهر را دارای نظم فضایی و چیدمان منحصر به فرد می‌داند که از خصایص محیط طبیعی و ماهیت اقتصادی-اجتماعی آنها نشأت گرفته است.

تعاریف و چهارچوب نظری

شهر، مفهومی از جنس مکان و محصول یک‌جانشینی انسان است که در پی تکامل شیوه زیست او و ساختارهای ذهنی‌اش شکل می‌گیرد. مفهوم یافتن اجتماع به‌عنوان یک «کل» متشکل از افراد که در تعامل با یکدیگر قرار دارند، بر شکل‌گرفتن مکانیت آن یعنی شهر، تأثیر گذاشته و شهر را به‌عنوان یک «کل» متشکل از اجزای هدفمند مطرح می‌سازد که در ارتباط با یکدیگر شیوه زیست جمعی را معنا می‌بخشد (پوراحمد و پوراحمد، ۱۳۹۳). این تعریف حاصل نگرش به شهر به‌عنوان یک کلیت مستقل است. مفهومی مجرد و معادل نظم میان عناصر مختلف به‌وجودآورنده یک شهر است. ذهنیت ساکنان از شهر به‌صورت توافق جمعی درباره چگونگی نظم‌یافتن اجزای شهر بر تولید سازمان فضایی آن تأثیر مستقیم دارد (Mansouri et al., 2020, 49). سازمان فضایی شهر در دوره اسلامی، متشکل از چهار جزء «قلمرو»، «مرکزیت»، «ساختار»، «کل‌های کوچک» است

به‌عنوان یک کل منسجم بوده است. این کل منسجم متأثر از سیاست‌گذاری‌های حکومتی، اقتصاد منطقه‌ای پیش از ورود اسلام و امتدادیافتن آنها و اضافه‌شدن ارزش‌های دینی و آیینی در دوره اسلامی بوده و توسعه شهر را به همراه داشته است. این پژوهش ادامه مقاله «جستاری بر سیر تحول سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر پیش از دوره اسلامی» (Afsharbagheri et al., 2025) است و بر چارچوب مقاله پیشین استوار است و این دو سلسله‌وار با هم مرتبط هستند. بر همین اساس، عنوان مقاله و عناصر مورد بررسی از مقاله پیشین تبعیت می‌کند. نوآوری این نوشتار بررسی سازمان فضایی شهر بر مبنای خوانش متون تاریخی، تطبیق تصاویر تاریخی و دانه‌بندی‌های شهری است. همچنین نقدی بر سازمان فضایی شهر شوشتر که توسط رحیمیه و ربوبی (۱۳۵۰) تنظیم شده است، می‌باشد. سؤال اصلی این پژوهش بررسی سیر تحولات سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر (از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه) و چگونگی انسجام میان عناصر و اجزا شهری است که در روند منطقی تکامل شهر، جایگاه خود را یافته و به دور از بروز هر گونه هرج‌ومرج و آشفتگی، چارچوبی نظام‌مند به شهر بخشیده‌اند. آب و رودخانه به‌عنوان عنصر طبیعی، عناصر شهری به‌عنوان عناصر انسان‌ساخت، کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آب به‌عنوان فعالیت‌های انسانی و تاریخ به‌عنوان زمان، عوامل بررسی‌شده در این پژوهش هستند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که سازمان فضایی شهر شوشتر در دوره اسلامی (از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه) چه ویژگی‌هایی داشته است و عواملی همچون عناصر طبیعی، عناصر انسان‌ساخت، فعالیت‌های انسانی و زمان چه اثری بر سازمان فضایی این شهر داشته‌اند؟

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش بر روش تاریخی تفسیری استوار بوده و نگارندگان با طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های به‌دست‌آمده از اسناد تاریخی مکتوب، سفرنامه‌ها و تصاویر تاریخی، دست به تبیین اصول کلی سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر زده‌اند. با گستردگی و غیرمتمرکز بودن توصیفات، همچنین دسته‌بندی داده‌ها براساس اثرگذاری و اهمیت در دوره‌های مختلف تاریخی، بازه زمانی پژوهش از سده دوم ه.ق. تا پیش از دوره صفویه در نظر گرفته شده است.^۱

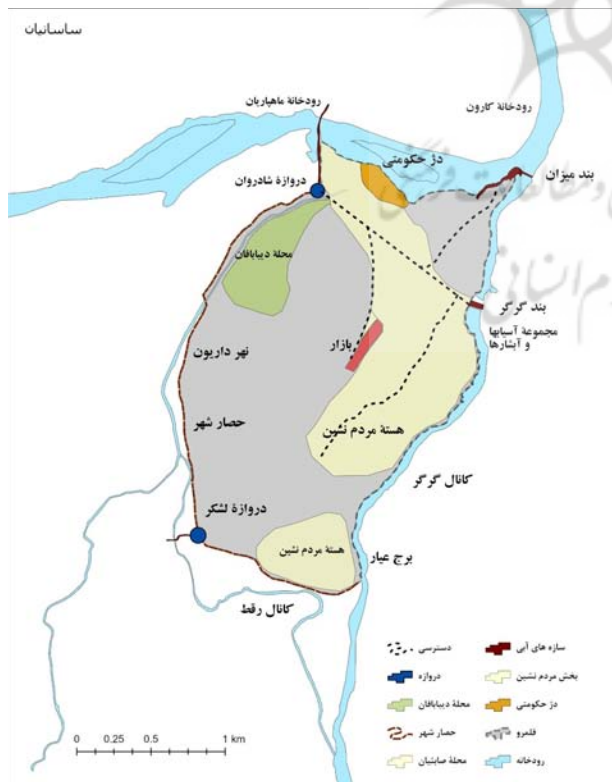
پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با این پژوهش که از بُعد سیستماتیک شهر را مطالعه کرده‌اند؛ ابرقویی فرد و منصور (Abarghouei Fard & Mansouri, 2021) در پژوهش بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام، سازمان فضایی را امری ذهنی و غیرمادی معرفی کرده‌اند

دسترسی درون شهر به سوی این دروازه‌ها و شبکه آبرسانی ساختار شهر شکل گرفت (Afsharbagheri et al., 2025). سازمان فضایی شهر شوشتر پیش از دوره اسلامی مرکب از «مناطق جداگانه» است که عبارتند از بخش حکومتی و بخش مردم‌نشین که با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان آن شهر مکان‌یابی شده‌اند و در نظم درون شهری جایگاه هر کدام در ساختار ذهنی جامعه مشخص و در روح جمعی شهر متبادر است (تصویر ۱).

ورود اسلام و تحولات سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر در سده دوم ه.ق. (دوره انتقال)

از آنجاکه روند فروپاشی ساسانیان و بروز برخی تغییرات در ساختارهای اجتماعی و روند تدریجی تغییر دین، تحولاتی اساسی در نظام اجتماعی ایرانیان به وجود آورد، باید انتظار داشت که آثار این تحولات در ساختار و شکل شهر ایرانی نیز انعکاس می‌یافت؛ در حالی که بنا به روایت منابع مختلف، اجزای مورد نظر در شکل شهرهای ایران دوره اسلامی باقی مانده‌اند، امری که حکایت از وضعیت دیگری داشت (Yousefi Far, 2007, 220). افرادی چون استرن، بر این باورند که ساختار زندگی شهری دوران اسلامی، تداوم ساختارهای دوره قبل از اسلام است و دین اسلام و فتوحات مسلمانان نتوانست ساختار زندگی قبلی را برهم بریزد و شهرهای تصرف‌شده تنها از لحاظ شکل و ظاهر تغییر پیدا کردند (Khaledian et al., 2017, 39) بر همین اساس،



تصویر ۱. سازمان فضایی شهر شوشتر در دوره ساسانی. مأخذ: Afsharbagheri et al., 2025.

(Mansouri et al., 2007, 2013, 2020) که تحت‌تأثیر عناصر طبیعی، ساخته‌های انسان، بارزهای عناصر مصنوع و انسان (فعالیت‌های انسانی) و زمان هستند.

سازمان فضایی شهر شوشتر پیش از دوره اسلامی
سازمان فضایی شهر ایرانی در قبل و بعد از اسلام، دو ماهیت متباین داشته است. برخلاف معماری دوره اسلامی ایران که تداوم و اصلاح شیوه‌های معماری پیش از اسلام است، شهر ایرانی قبل و بعد از اسلام دو دوره کاملاً متمایز دارد. علت آن تفاوت سازمان فضایی آنهاست (Mansouri, 2007, 51). بر همین اساس، سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر که مبتنی بر چهار رکن «قلمرو»، «مرکزیت»، «ساختار»، «کل‌های کوچک» و تحت‌تأثیر عناصر طبیعی، ساخته‌های انسان، بارزهای عناصر مصنوع و انسان (فعالیت‌های انسانی) و زمان بوده است، بررسی می‌شود.

رودخانه کارون در شمال شهر تاریخی شوشتر در هنگام ورود به دو شاخه «گرگر» و «ماهپاریان» تقسیم می‌شود. شعبه شرقی آن کانال گرگر و شعبه غربی ماهپاریان (شطیط) نام دارد. این دو شعبه در بند قیر باز به یکدیگر می‌پیوندند (عنایت‌الله و همکاران، ۱۳۵۰، ۱۹۱) همچنین حفر انهار داریون در غرب شهر و پیش از ساخت کانال گرگر و انشعاب کانال رقط از نهر داریون در جنوب، این شهر را به جزیره‌ای بدل ساخته است (Rawlinson, 1836/1983, 89-97) و همچون خندق دیوار دفاعی شهر (حصار شهر) را که در جانب غربی شهر قرار گرفته است، تکمیل کرده است. عنصر آب و رودخانه در این شهر قلمرو شهر را مشخص و محدود ساخته است (Afsharbagheri et al., 2025, 39).

با شکل‌گیری کانال‌های آب‌بر، کهن‌دژ (قلعه سلاسل) در کنار شاخه شطیط و با هدف ایجاد امنیت در شهر و کنترل شبکه آبرسانی شکل می‌گیرد. بخش مردم‌نشین شهر با فاصله از دژ حکومتی و در جوار کانال گرگر استقرار می‌یابد. بدین ترتیب قلعه سلاسل (کهن‌دژ) و بخشی از محله عبدالله بانو، مقام عباس، سادات و دکان شمس هسته اولیه شهر را تشکیل می‌دادند. شهر به دو بخش «قلعه حکومتی» و «مردم‌نشین» تقسیم شده و دیوارهای دفاعی جداگانه‌ای ارگ حکومتی^۲ و بخش مردم‌نشین را از هم جدا می‌ساخته است (ibid., 40). رفته‌رفته محلات، محدوده میان رودخانه و کانال‌ها را از شمال (شاخه شطیط) تا قریب به کانال رقط و از بخش غربی کانال گرگر تا بخش شرقی کانال داریون اشغال می‌کنند. مکان‌یابی هسته حکومتی و مردم‌نشین نیز متأثر از رودخانه بوده است. با توسعه شهر در زمان ساسانیان بسیاری از پل‌ها، بندها، کانال‌ها و شبکه‌های آبرسانی تشکیل می‌شوند (Moghaddam, 2012, 37). همچنین با ساخت پل‌بند شادروان روی شاخه شطیط، پل‌بند لشکر روی کانال رقط، دروازه‌های شهر در طول این دوره و امتداد مسیرهای

و شناسه شهر با هدف کنترل و نظارت بر تقسیم آب و سازه‌های آبی، همچنین مجموعه‌های اجتماعی-سیاسی بر صورت شهر و نظم شکل‌دهنده آن، نقش مهمی برعهده دارد. در دوره ساسانی بخش (هسته) مردم‌نشین در جوار کانال گرگر شکل می‌گیرد و بخش حکومتی (هسته) در جوار شاخه ماهپاریان. در دوره اسلامی مرکزیت شهر با توجه به تغییر نگرش در شناسه‌های شهری از سده سوم ه.ق.، تغییر می‌یابد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

• کل‌های کوچک

در دوره امویان، پیوند میان حجاج بن یوسف^۷ و مخالفان سیاسی در این شهر سبب شد تا راه ورود (پل بند شادروان) به شهر تخریب شود. در «تذکره شوشتر» (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸، ۸۵) آمده: «...حجاج این معذرت را قبول و از مواخذه ایشان^۸ درگذشت و بفرمود که پل را خراب کنند و مردم به دستور قدیم به کشتی عبور نمایند تا دیگر احدی ناگاه داخل ولایت نشود». بدین ترتیب پل شادروان تخریب می‌شود.

به نظر می‌رسد با رونق شهر در دوره ساسانیان، اندک‌اندک از اعتبار دستوا کاسته شده است و ساکنان آن به شوشتر مهاجرت کرده‌اند. با مطالعه متون نخستین اسلامی مانند ابن خردادبه (۲۱۱-۳۰۰ ه.ق.) یا قدامه پسر جعفر (۲۷۵-۳۳۷ ه.ق.) و رویدادهای پس از حمله مسلمانان، نامی از دستوا به چشم نمی‌خورد. از آنجاکه این شهر در کنار گرگر و مسیر سیلابی رودخانه واقع بوده، اولین احتمال اینست که در دورهای دچار حوادث طبیعی همچون سیل شده و مردم این شهر را وادار به کوچ به نقطه‌ای مرتفع‌تر همچون شوشتر کرده است و دومین احتمال مهاجرت اندک‌اندک مردم به دلیل آسیب‌هایی که در جنگ با مسلمانان به این شهر وارد شده، به شوشتر بوده است.

با بررسی محلات شهر، نام دستوا به‌عنوان محله‌ای در شوشتر خودنمایی می‌کند و این نام می‌تواند صحه‌ای بر این ادعا باشد.^۹ شرف‌الدین (۱۴۰۲، ۱۵۱) در کتاب «تاریخ شوشتر» به محله دشت خروج^{۱۰} اشاره دارد که در آن قبرستانی واقع شده و قدمت آن را مربوط به اوایل قرن دوم ه.ق. می‌داند. «[دشت خروج] مدفن بسیاری از بزرگان و رجال شوشتر بوده است. امروزه میدان ۱۷ شهریور در شوشتر بر روی قبرستان بنا شده است» (تصاویر ۳ و ۲)

همچنین کاشف دزفولی (Kashef Dezfuli, 2020, 108-111) در بخش «قاصم‌الجبارین» به مقبره‌ای اشاره می‌کند که متعلق به محمد سوار^{۱۱} و محل قرارگیری آن در نزدیکی مسجد حسین کنونی بوده است. محل تدفین محمد سوار را می‌توان به اوایل قرن دوم ه.ق. منسوب کرد. کشته‌شدن برابن مالک، تخریب پل بند شادروان به دستور حجاج بن یوسف، مهاجرت ساکنان دستوا به شوشتر و استقرار در محله دستوا، قبرستان دشت خروج و تدفین محمد سوار اتفاقات و تحولاتی بودند که در سده دوم ه.ق. در شوشتر به وقوع پیوستند و سبب تغییراتی در ساختار شهر شدند.

سده دوم ه.ق. به‌عنوان دوره انتقال از دوره ساسانی به دوره اسلامی به تفکیک چهار رکن سازمان فضایی شهر بررسی شده است.

• قلمرو

در حمله اعراب مسلمان، برخلاف بسیاری از شهرهای ایران که در برابر فاتحان مقاومتی نداشته و تسلیم شدند، تصرف شوشتر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود مدت دو سال با دلاوری هرمزان در برابر حملات مسلمانان به طول انجامید (Bal'ami, 1974, 491). آنچه در متون تاریخی حائز اهمیت است، مرمت حصار شهر پیش از رسیدن مسلمانان به شوشتر بود.

دینوری (ad-Dinawari, 2004, 164) در کتاب «اخبار الطوال»^{۱۲} آورده: «هرمزان خود را به شهر شوشتر رساند و آنجا اردو زد و باروی آنرا مرمت کرد و برای اینکه اگر محاصره پیش آید به‌زحمت نیفتد خوار و بار جمع کرد...». بلاذری (Baladhuri, 1985, 339) نیز با اشاره به هرمزان تصویری از شهر و قلعه را به نمایش می‌گذارد: «هرمزان در شوشتر که شهر اصلی و میانه پادشاهی بود و حصار مستحکمی داشت، پناه گرفت. هرمزان در نزدیکی پل شادروان، در قلعه‌ای مستقر شد، این قلعه نفوذناپذیر نشان می‌داد. زیرا از یک طرف آن رودخانه و از طرف دیگر خندق، آن را فرا گرفته بود». لایارد در رابطه با حصار طبیعی و حصار مصنوعی شهر ذکر می‌کند: «شهر به‌وسیله آب گرگر و رود کارون احاطه شده است و یک کانال کوچک این دو شاخه را بهم وصل می‌کند. و به‌این ترتیب، یک دفاع طبیعی در مقابل شهر ایجاد شده است. دیوار قدیمی شهر در حال خرابی است» (Layard, 1887/1997, 71).

محاصره دوساله شوشتر درحالی به اتمام رسید که یکی از ساکنین^{۱۳} شوشتر راهی برای ورود به شهر بر مسلمانان آشکار کرد.^{۱۴} بدین ترتیب حصر شوشتر شکسته می‌شود و در مقابل دروازه شهر (شرف‌الدین، ۱۴۰۲، ۱۹۶) طی درگیری‌هایی برابن مالک کشته می‌شود و در سال ۲۰ ه.ق. او در آوردگاه مقابل دژ حکومتی به خاک سپرده می‌شود. اگرچه تاریخ اولین بنای احداث‌شده بر مدفن او مشخص نیست اما از کلام ابن‌اثیر و ابن خلکان^{۱۵} چنین بر می‌آید که در زمان ایشان دارای گنبد و بارگاه بوده است.

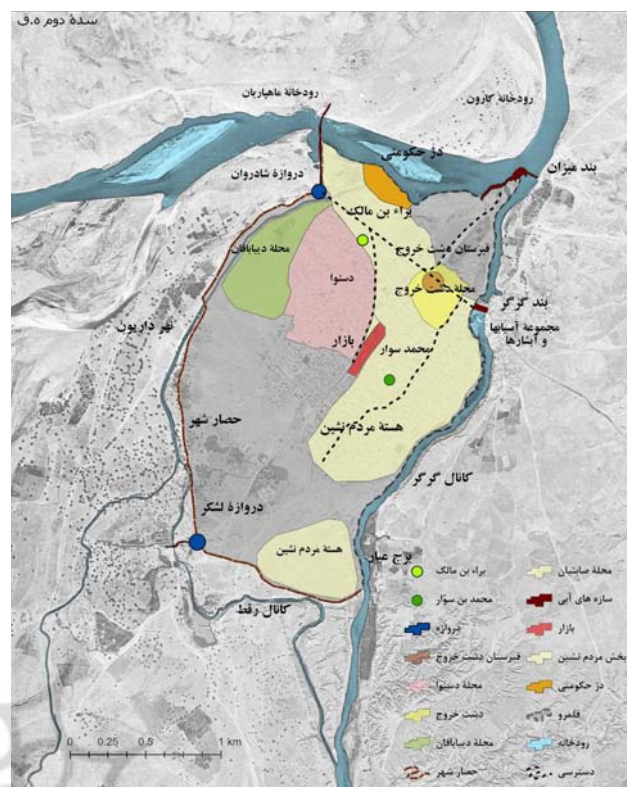
با احداث حصار شهر در دوره ساسانی و بازسازی آن توسط هرمزان، محدوده شهر در غرب و جنوب‌غرب منتهی به دیوار دفاعی شهر و در شمال و شرق منتهی به رودخانه کارون (شاخه ماهپاریان) و کانال گرگر می‌شود. قلمرو همچون لبه‌ای محدوده فضای شهری شوشتر را معین و حصار طبیعی و مصنوعی این شهر نقش عامل ارتباطی و حدفاصل فضای داخل شهر و فضای بیرونی را ایفا می‌کرد.

• مرکزیت

مرکزیت بخش حکومتی (قلعه سلاسل) به‌عنوان عنصر شاخص



تصویر ۳. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن دوم ه.ق. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن دوم ه.ق. براساس مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

• ساختار

ساختار در این شهر متأثر از راه‌های ورودی شهر (دروازه‌ها)، بخش مردم‌نشین (کل‌های کوچک) و بخش حکومتی (مرکزیت) شکل گرفت. ساختار به‌عنوان عنصر ارتباط‌دهنده با محوریت شرق به غرب و شمال به جنوب، دسترسی‌ها و گذرهای درون شهر و محورهای ارتباطی میان عملکردهای مختلف را تشکیل می‌داد (تصاویر ۲ و ۳).

تحولات سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر در سده سوم و چهارم ه.ق.

ورود اسلام به ایران سبب شد تا اماکنی مانند مساجد در شهرها ساخته شوند که نه‌تنها محلی برای انجام فرایض دینی که جایی برای کارکرد اجتماعی بودند و به‌تدریج هسته «مذهبی-نیایشی» شهر را تشکیل دادند. ارتباط مسجد جامع با بافت شهری پیرامون آن همیشه یکسان نبوده است؛ بلکه به سبب وجود عوامل گوناگونی مانند مسائل امنیتی، جنبه‌های زیبایی‌شناسی و بعضی از پدیده‌های مربوط به منظر شهری و سنت‌های طراحی معماری و شهری به‌صورت گوناگون بوده است (Soltanzadeh, 2016, 368). از نمونه‌های مساجد اولیه دوره اسلامی در ایران مسجد جامع شوشتر است. مقدسی (Muqaddasi, 1877/1982, 611) (۳۹۱ ه.ق.) در «أحسن التقاسیم» ذکر می‌کند: «جامع در بازار بزازان آدر

میان شهر است، دم دروازه نیز بازار دیگر هست». مسعودی نژاد (Masoudi Nejad, 2022, 91) موقعیت قرارگیری این مسجد در جنوب‌غربی بافت شهر را قابل تأمل می‌داند و اذعان می‌دارد: «مسجد جامع در میان ساختار کلان شهر قرار نگرفته است. این محل بیشتر به مکان مصلا شبیه است تا مسجد جامع شهر». احمدی سیاهپوش و همکاران (Ahmadi Siahpoush et al., 2020, 144) توسعه شهر در این دوره را در جنوب و با فاصله از هسته اولیه شهر و عامل اتصال راسته بازار و مسجد جامع به دروازه شادروان را موجب انتظام گروهی ساختار شهری و گسترش شهر در حول این مجموعه می‌داند. توصیفات مقدسی (Muqaddasi, 1877/1982, 611)، برداشتهای مسعودی نژاد و تحلیل‌های احمدی سیاهپوش قابل بررسی است. براساس روند شکل‌گیری شهر تا پیش از سده سوم ه.ق. (تصاویر ۴ و ۵) و امکان گسترش محدوده دستوارو به‌سوی جنوب، به نظر می‌رسد مسجد جامع در نزدیکی و با فاصله از این محدوده بنا شده است و بر همین اساس مسجد جامع شوشتر را می‌توان در دسته مساجد گسسته از بافت پیرامون و با فاصله کم نسبت به بافت دانست که بخش مردم‌نشین و بازار در قرابت با آن توسعه یافته‌اند.

مسجد جامع به‌عنوان مرکز دینی، ارتباط میان «بخش مردم‌نشین» و بیرون از آن را برقرار می‌ساخت و به گفته مقدسی بازار شهر در اطراف آن گسترش یافت (ibid.) و پس از دو بخش

قایق‌ها ساخته‌اند] و جز آن راه ندارند و در آن سوی دیگر اندکی ساختمان هست، جامع در بازار بزازان [در میان شهر] است، دم دروازه نیز بازار بزازی دیگر هست. بر سر پل گردشگاهی هست و گازران^{۱۲} در آنجا بود. هر کس بخواهد با کشتی به «عسکر» رود باید یک فرسنگ پیاده راه پیماید. پیرامنش دیه‌هایی گرانمایه هست ولی همه بی‌منبراند». سخنان مقدسی دال بر حفظ ساختار اولیه شهر و گسترش آن دارد. رونق اقتصادی به‌واسطه وجود باغات و صادرات دیبا، پل‌بند شادروان به‌عنوان دروازه ورودی شهر، مسجد جامع در میان بازار بزازان، وجود کاریز در زیرزمین و دسترسی از رودخانه به شهرهای پایین‌دست آن مانند «عسکر مکرم»^{۱۳} مواردی هستند که می‌توان از سخنان او برداشت کرد.

در کتاب «فائق البیان»^{۱۴} به محله‌ای فراموش‌شده در محدوده محله دستوا به نام ماهنو^{۱۵} اشاره دارد و شرفالدین (۱۴۰۲، ۹۲) این محله را قریب به مسجد جامع و بقعه سید صالح می‌داند. به نظر می‌رسد سخن «مقدسی» در مورد اینکه این مسجد در میانه شهر است صحیح می‌باشد (تصاویر ۴ و ۵).

توسعه درون شهری و سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر در سده پنجم تا هفتم ه.ق.

ابن اثیر (Ibn al-Athir, 1992) و ابن خلدون (Ibn Chaldūn, 1964) ذکر می‌کنند در سال ۵۹۰ ه.ق.

«دژ حکومتی» و «مردم نشین»، بخش «مذهبی-نیایشی» شهر نیز شکل گرفت. تعداد بقاع، اماکن متبرکه و مساجد در شهر شوشتر افزایش یافت به‌طوری که برخی از مورخین مانند قاضی نورالله شوشتری (Shushtari, 1975) در «مجالس المؤمنین» جزایری شوشتری (۱۳۸۸، ۷۱) در «تذکره شوشتر» این شهر را «دارالمؤمنین» نامیدند. «دارالمؤمنین شوشتر» بلداست دلگشا...» و «در دارالمؤمنین شوشتر مساجد و بقاع الخیر بسیار است و...» (همان، ۸۹).

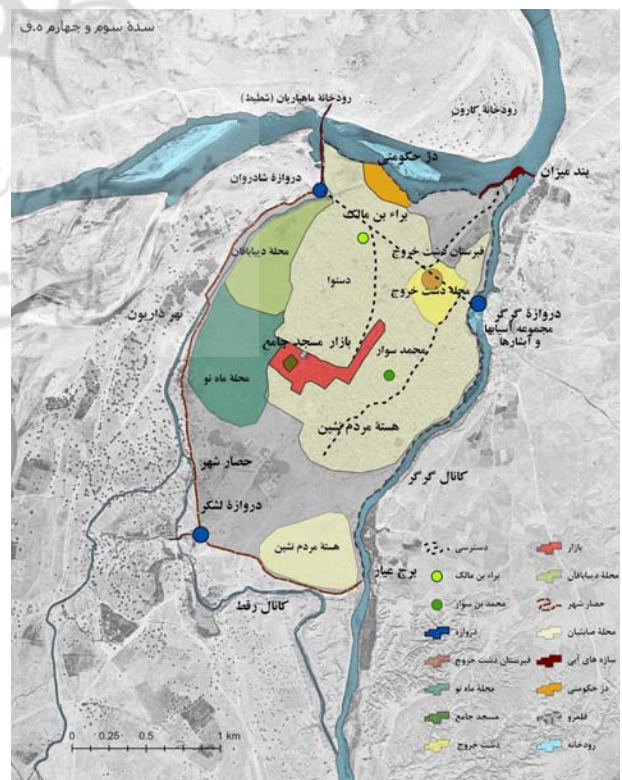
مقدسی (Muqaddasi, 1877/1982, 611) در مورد رونق شهر، بازار و دروازه ورودی شهر ذکر می‌کند: «در همه این سرزمین، خوش‌تر و استوارتر و مهم‌تر از آن شهری نباشد. نهر به دور آن می‌چرخد؛ نخلستان و باغ‌ها آن را فرا گرفته است. بافندگان ماهر پنبه و دیبا در آن بسیارند. از همه شهرها برتر است، اعداد را در خود جمع و نزد جهانیان شهرت دارد. درباره آن گفته‌اند: باغ‌هایش پر از اترج و انار خوب و انگور و گلابی عالی می‌باشد. بهشت خوزستان است. دیبای آن را به مصر و شام برند، مردمش با خوشی می‌گذرانند. از میوه و دیگر خیراتش که می‌پرس! مرا خوش آمده آن را پسندیدم، بازارهایش هموار است با ویژگی‌های دیگر. از خاور و باختر به دیدارش می‌آیند [در تابستان] آبی سرد دارد که [در کاریز] در زیر زمین روانست. جامعی لطیف دارند. گرما در آنجا سخت او دانش اندک است. نهر همچون خندق بر گرد آنست. پلی دراز [در سمت جندی شاپور با

سده سوم و چهارم ه.ق.



تصویر ۵. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن سوم و چهارم ه.ق. مأخذ: نگارندگان.

سده سوم و چهارم ه.ق.



تصویر ۴. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن سوم و چهارم ه.ق. براساس مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

در این دوره شهرهای ایران رونق خوبی داشتند (رضوی، ۱۳۸۸، ۱۵). شهرهایی مانند نیشابور، ری، اصفهان، شیراز به‌عنوان شهرهای درجه اول، شهرهایی مانند کرمان، همدان، آمل، گرگان، قم، اهواز، شوشتر، ارجان، پنج‌هیر، فسا و هرمز از شهرهای درجه دوم اهمیت بودند (Hamawi, 2001, 62, 261, 364, 641, 705, 706, 731). طی بازسازی‌های انجام‌شده در زمان ایلخانیان توجه به محدوده شهرها در این دوره حائز اهمیت بود (Noghrekar et al., 2022, 58-60) که شوشتر نیز از این قاعده مستثنی نبود.

در این دوره چهارچوب شهر را محورهای منتهی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. بازار نیز در امتداد یکی از این محورها، به‌عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده‌اند که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند (لشکری و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶).

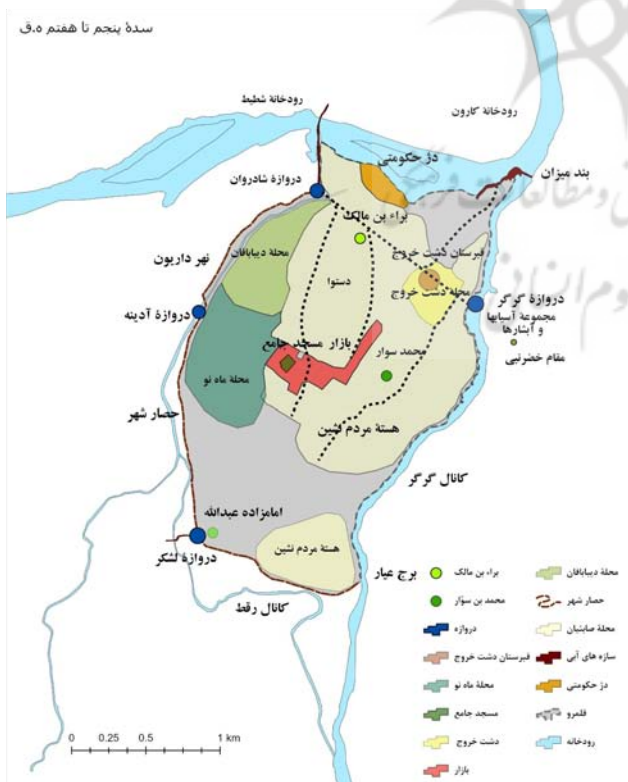
در این دوره بنای امامزاده عبدالله با توجه به کتیبه سردر^{۱۷} گنبدخانه اصلی که ساخت بنا در زمان خلافت المستنصر توسط بهنام^{۱۸} نامی را نشان می‌دهد، ساخته شد.

همچنین مقام خضر که قاضی نورالله شوشتری در کتاب «مجالس المؤمنین» از او نام می‌برد و ذکر می‌کند: «مقام خضر و سه تنان را از ما سلامی» (Shushtari, 1975, 211) ساخته می‌شود. این بقعه دارای سردری است که در بالای آن هشت

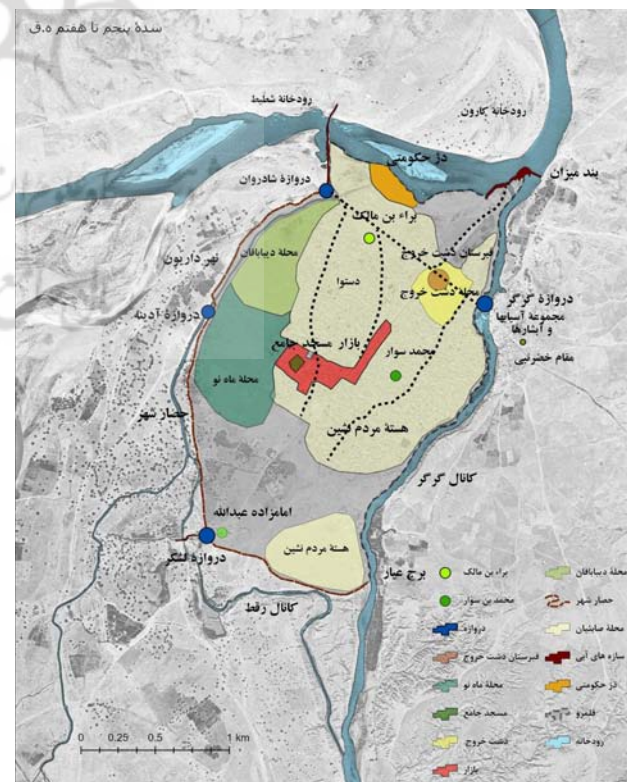
خوزستان و حاکم‌نشین آن (شوشتر)، توسط ناصرالدین‌لله از خلفای عباسی به متصرفات عباسیان افزوده شد و از آن تاریخ تا تصرف شوشتر به دست ایلخانیان در سال ۶۵۶ ه.ق.، حکمای این شهر توسط خلفای عباسی منصوب می‌شدند. در این دوره، خلیفه ناصرالدین‌لله و مستنصر بالله در احیا و بازگرداندن اهمیت سیاسی افول‌کرده خلافت عباسی، تلاش کردند (Khal'atbari & Sharafi, 2010, 62).

پس از سقوط خلافت عباسی در سده هفتم ه.ق. و در پی آن، فروپاشی مرکزیت دینی و سیاسی و نیز بروز نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی، گرایش‌های متأثر از تشیع و تصوف زمینه‌های مناسب برای تجلی و انتشار پیدا کردند. ایلخانیان نیز با پذیرش اسلام و حمایت از شیعه دوازده امامی و سپس گرویدن اولجایتو^{۱۶} به این مذهب، سهمی مؤثر در رواج تشیع داشتند (رازپوش، ۱۴۰۰، ۷۲۱).

نفوذ ایرانیان به دربار ایلخانیان سبب شد تا شهرهای ویران‌شده به آرامی بازسازی شوند؛ ورود غازان خان به دربار و برعهده‌گرفتن وزارت و پس از آن برعهده‌گرفتن حکومت توسط سلطان محمد خدابنده که هر دو شیعه مذهب بودند قدرت شیعیان را نسبت به اهل تسنن بیشتر کرد و زمینه‌ای برای به رسمیت شناخته‌شدن مذهب شیعه (اثنی‌عشری) در زمان شاه اسماعیل صفوی فراهم کرد که سبب بروز تغییراتی در شهرهای ایران به‌ویژه شهرهای مذهبی شد (محمدمرادی و جعفرپور، ۱۳۹۲، ۹۲).



تصویر ۷. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن پنجم تا هفتم ه.ق. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن پنجم تا هفتم ه.ق. براساس مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

تاریخ ۷۶۵ ه.ق. با خانقاه و مسجد بنا نمود» (همان). جزایری شوشتری (۱۳۸۸، ۱۷۹) به شرح موقوفات این مدرسه که شامل مدرسه، مسجد، خانقاه بوده، می‌پردازد. از این مدرسه اثری باقی نمانده است، تنها مقبره‌های متصل به مسجد حاج شیخ شوشتری به نام مقبره شیخ اسمعیل قصری برجای مانده است. یکی دیگر از مدارس که مقابل بقعه جابر واقع بوده است، مدرسه مشایخ نام داشته. شرفالدین (۱۴۰۲، ۵۴) ذکر می‌کند: «در حدود سال ۸۰۰ ه.ق. بنا شد. آخرین مدرس ایشان مرحوم شیخ علی تا در حدود سال ۱۳۰۰ ه.ق بود و مدرسه سر پا بود. بعدها به موت آخرین شخصیت این خانواده مرحوم آقا شیخ علی، بساط علم از این مدرسه برچیده شد و خراب گردید». با توجه به شرح موقعیت قرارگیری هر کدام از مدارس و جانمایی آن‌ها براساس برداشت‌های میدانی روی عکس هوایی ۱۳۳۵، پراکندگی در استقرار این بناها به چشم می‌خورد.

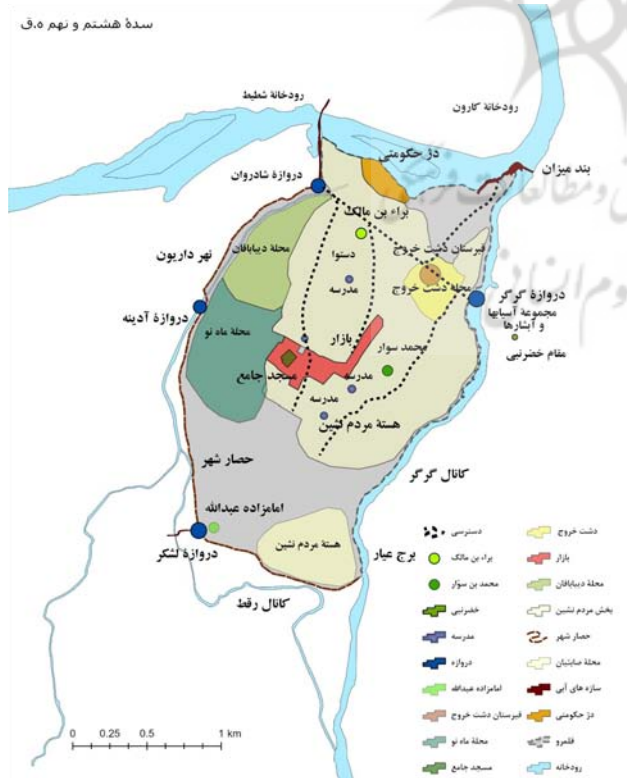
مناره در بسیاری از مساجد اولیه ایران به صورت توام و همزمان با کالبد مسجد ساخته می‌شد ولی برخی از مساجد مانند مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان که با الگوی اولیه مسجد مدینه بنا شده بودند، فاقد مناره بودند. تقریباً از زمان سلجوقیان، مناره به‌عنوان عنصری شاخص برای مساجد مطرح شد و به مساجد بدون مناره ساخته‌شده، الحاق شد. مناره‌های الحاق‌شده به‌صورت تکی و دارای ارتفاع مناسب و قطر زیادی بودند (میراحمدی، ۱۴۰۱، ۳۵). براین‌اساس منار مسجد جامع بر پا شد: «و منار گویند با اصل مسجد ساخته

سطر^{۱۹} به خط ثلث و برجسته حجاری شده؛ قرار گرفته و در آن زمان خارج از محدوده شهر واقع شده بوده است^{۲۰} (تصاویر ۶ و ۷).

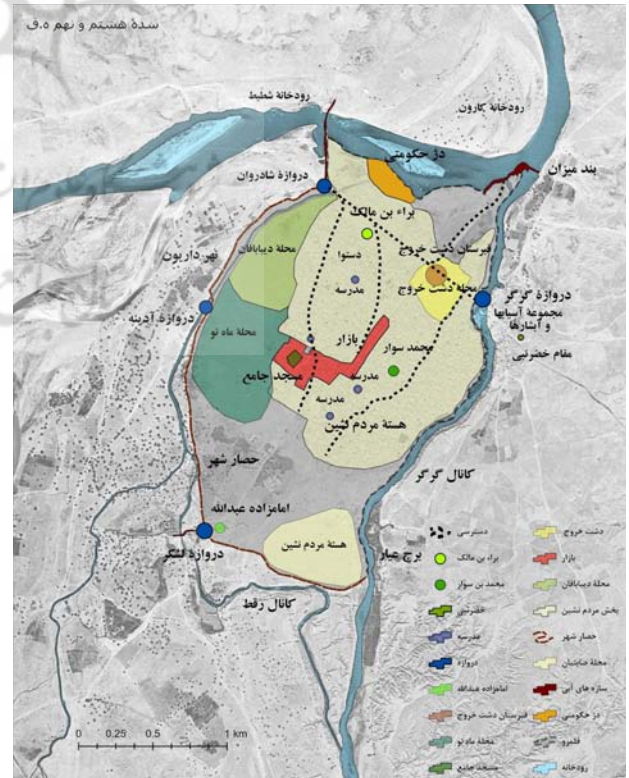
«نام خداوند متعال «الله» در وسط و در چهار طرف، نام ابوبکر و عثمان و علی در گوشه بالا و پایین آن نقش است و در اول خطوط این شعر نوشته است: جهان یادگار است و ما رفتنی/ به گیتی نماند به جز مردمی (شرفالدین، ۱۴۰۲، ۹۷).

توسعه درون شهری و سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر در سده هشتم و نهم ه.ق.

در قرن هشتم و نهم ه.ق. همزمان با ضعف حکومت ایلخانیان و حاکمیت آل مظفر و آل جلائیر و پس از آن حکومت تیموریان در ایران، شوشتر همچنان با ساختار گذشته به حیات خود ادامه داد و در کنار آن دستخوش وقایع سیاسی بسیاری شد. در شوشتر قرن هشتم مدرسی وجود داشته‌اند که ابن بطوطه (Ibn Battuta, 1997, Vol. 2, 238) (۷۲۸ ه.ق.) در اقامت خود در شوشتر درباره یکی از آن‌ها ذکر می‌کند: «در تستر در مدرسه امام شرفالدین موسی... که از اولاد سهل بن عبدالله است، منزل کردم... وی مدرسه و زاویه‌ای^{۲۱} بنا نهاده که در آن چهار خادم مشغول بودند». اثری از این مدرسه باقی نمانده (شرفالدین، ۱۴۰۲، ۵۰). یکی دیگر از مدارس شوشتر در این دوره، مدرسه شیخ اسمعیل قصری بوده است. «این مدرسه را محمد بن اسمعیل...القصری^{۲۲} در محله جبهینه شوشتر به



تصویر ۹. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن هشتم و نهم ه.ق. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. سازمان فضایی شهر شوشتر قرن هشتم و نهم ه.ق. براساس مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

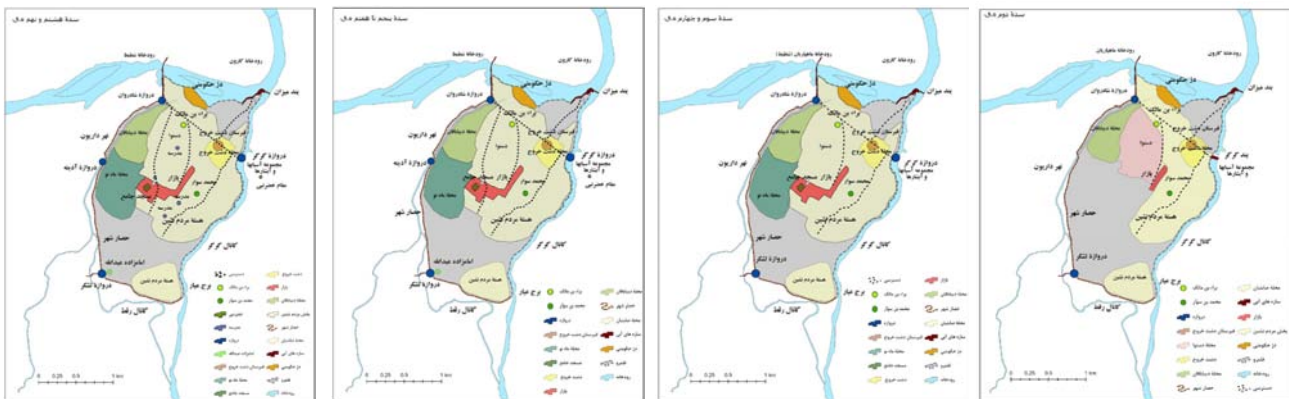
بررسی سازمان فضایی شهر شوشتر در دوره اسلامی میانه قرن دوم تا نهم ه.ق. نشان می‌دهد، سازمان فضایی این شهر تداوم توسعه شهری پیش از دوره اسلامی و همچنان رودخانه عامل محدودکننده، شکل‌دهنده و تقویت‌کننده سازمان فضایی شهر است.

عنصر طبیعی (رودخانه) با ادامه حیات خود سبب ادامه حیات و توسعه شهر و ساخت عناصر شهری می‌شود و فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهد که رونق اقتصادی شهر را در بر دارد. در این دوره، بخش حکومتی پابرجا و بخش مردم‌نشین علاوه بر اینکه توسعه در جوار شهر ساسانی داشت بلکه با استقرار مسجد جامع در جنوب شهر، توسعه خود را پیرامون این مسجد و رو به سوی شمال ادامه می‌دهد و علاوه بر اهمیت بخش حکومتی، بخش مذهبی - نیایشی شهر رونق می‌یابد. سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر در دوره اسلامی با ایجاد قبرستان‌ها و پس از آن مقابر و مسجد جامع نشان از ارجحیت ارزش‌های مذهبی نسبت به نظام اقتصادی و سرمایه دارد. قلمرو شهر در این دوران همچنان مانند دوره پیش از اسلام بر قوت خود باقیست و رفته‌رفته شهر در همان حدود توسعه می‌یابد. ساختار به‌عنوان عامل درک کلیت شهر از ابتدای شکل‌گیری شهر جزئی لاینفک از آن بوده است و همراه با توسعه شهر، تکامل می‌یابد. نقش ارتباطی ساختار برای برقراری ارتباط میان بخش خصوصی شهر (مراکز محلات)، بخش عمومی شهر (مرکز شهر و بازار)، دروازه‌های شهر و خارج شهر وجود داشته است. شیوه شکل‌گیری دسترسی‌ها با محوریت بازار و ارتباط‌دهنده با دروازه‌های شهر دارای سلسله‌مراتب بوده که این امر سبب سهولت در دسترسی، بازشناسی قسمت‌های مختلف شهر و عامل درک کلیت شهر بوده است. برخلاف شهر پیش از دوره اسلامی که ارزش‌های مذهبی و عقاید سبب گسست در بخش مردم‌نشین شد، در دوره اسلامی اگرچه مسجد جامع ابتدا با فاصله از بخش مردم‌نشین قرار گرفت اما به مرور زمان

نشده و بانی آن سلطان اویس بن شیخ حسن یونانی است و اسم او به کتابه جلی بر سنگی که بالای در زیر گلدسته است، منقوش است به تاریخ شهر ذی‌حجه اثنین و عشرين و ثمانمائه و این منار از غرایب ابنیه است و منار به این ارتفاع کمتر دیده شده... (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸، ۹۰) (تصاویر ۸ و ۹).

بحث در باب بررسی سازمان فضایی شوشتر تاریخی از سده دوم تا نهم ه.ق.

شوشتر، محصور میان مسیرهای طبیعی و دستکند آب که بخش‌هایی از آن حصار طبیعی و دیگر بخش‌ها، نقش خندق دیوار دفاعی شهر را بر عهده داشتند، پیوسته در طی دوره‌های تاریخی، وفاداری خود را به رودخانه نشان داده و توسعه این شهر از حدود آن تجاوز نکرده است. شاید تفاوت این شهر با دیگر شهرهای تاریخی در همین تبعیت بی‌چون‌وچرا از رودخانه و مغلوب‌شدن بر آن باشد. این شهر با ورود مسلمانان با همان سازمان پیش از اسلام ادامه حیات می‌دهد و رو به سوی جنوب امتداد می‌یابد. اما در سده سوم و چهارم ه.ق. با ساخت مسجد جامع توسعه شهری به‌جای طی مسیر شمالی - جنوبی، برعکس توسعه شهر در سده‌های پیشین و در امتداد جنوب به شمال ادامه می‌یابد. هسته حکومتی همچون گذشته پابرجا، هسته مردم‌نشین پابرجا و هسته مردم‌نشین دیگری در اطراف مسجد جامع شکل می‌گیرد. به دلیل اهمیت هسته نیایشی - مذهبی، بازار در اطراف این مسجد گسترش می‌یابد. در سده پنجم تا هفتم ه.ق. دانه‌بندی‌ها دستخوش تغییراتی می‌شود و کم‌کم بقعاتی در کنار بافت شهری ساخته می‌شوند. در سده هشتم و نهم ه.ق. علاوه بر بقعات، مدارس نقش به‌سزایی دارند و در شهر در میانه محلات جانمایی می‌شوند. اساس و سازمان فضایی این شهر با ساخت مسجد جامع شکل کلی به خود می‌گیرد و پس از آن با افزودن عناصر شهری و دانه‌بندی‌های جدید در دل محلات، توسعه درون شهری اتفاق می‌افتد. موقعیت دروازه‌های شهر تابع بستر طبیعی و رودخانه بود و ساختار و مسیرهای اصلی شهر با عبور از بخش مردم‌نشین و دژ حکومتی به لبه‌های قلمرو منتهی می‌شود (تصاویر ۱۰).



تصویر ۱۰. سازمان فضایی شهر شوشتر (از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه) - از چپ به راست: سازمان فضایی شهر شوشتر سده سوم و چهارم ه.ق.، سازمان فضایی شهر شوشتر سده پنجم تا هفتم ه.ق.، سازمان فضایی شهر شوشتر سده هشتم و نهم ه.ق. مأخذ: نگارندگان.

بند میزان بوده تا پایین مسجد سید ناصرالدین و این مقبره در وسط شهر واقع بوده است. وقت احداث خیابان، قبور این قبرستان کشف شد و قبور زیادی از سنگ بریده پیدا شد با سنگ قبرهای بزرگ. بعضی آنها به خط ثلث برجسته بالای آن قبور نوشته بود. قبرستان دشت خروج وسط شهر بوده است. میدان ۱۷ شهریور امروزی است. دشت خروج پیوند زیادی با قیام‌های خوارج داشته است و احتمالاً اجساد خوارج که علیه خلفا خروج کرده بودند در این قبرستان، دفن شده‌اند.»

۱۱. کتاب شهرستان تصوف محمد بن سوار را دایی سهل بن عبدالله تستری (یکی از بزرگان عرفان و تصوف اسلامی) معرفی می‌کند. سهل در محضر دایی خود شاگردی کرد (جلالی عزیزیان، ۱۳۷۴، ۲۵-۳۴). از آنجا که تاریخ وفات سهل بن عبدالله ۲۷۳ ه.ق. و برخی منابع ۲۸۳ ه.ق. نگاشته شده است، محل تدفین محمد سوار را می‌توان به اوایل قرن دوم ه.ق. منسوب کرد.

۱۲. کسی که پیشه‌اش رخت‌شویی است، قصار، رخت‌شوی. ۱۳. شوشتری (۱۳۶۳، ۶۱) در «تحفه العالم و ذیل التحفه» ذکر می‌کند: «و در قبلی آرو به قبله شوشتر به سهل فاصله شهری بوده است موسوم به عسکر مکرم که غالب محصول آن نیشکر بوده است، که اکنون آن نیز خراب و به‌غیر از تل‌های مرتفع و بعضی آنها چیزی از آن باقی نیست.»

۱۴. در کتاب «فائق البیان» (موسوی شوشتری، در دست چاپ) شرحی بر چگونگی ساخت پل بند گرگر و انتقال آب از طریق سه مجرای بزرگ به محوطه آسیاب‌ها و آبشارها دارد. این کتاب به کوشش چهارم‌حالی بازنویسی و در دست چاپ است.

۱۵. «... جریان آب باعمال در صحرای عسکر آثار معموری در ولایت پیدا شد و ذرع صیفی و غرس اشجار و ثمار به مرتبه وافر و بسیار شد که تا بلاد بعیده می‌بردند و چنان آباد شد که صحرای عسکر را مینو تسمیه کردند و هنوز هم به این اسم مسمی است و یکی از محلات اصل شهر را از سمت دستوا به مناسبت مجاورت به صحرای عسکر محله مینو می‌نامند و مینو به معنی بهشت است و این که در این عهد عوام‌الناس بلکه خواص هم مانه می‌گویند» (موسوی شوشتری، ۱۳۳۱، ۲۹).

۱۶. غیاث‌الدین محمد خدابنده مشهور به الجایتو (۶۸۰-۷۱۶ ه.ق.) از فرمانروایان سلسله ایلخانیان ایران.

۱۷. متن کتیبه: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هَذَا أَمْرٌ بِعَمَارَتِهِ الْعَبْدُ الْمُذْنِبُ... إِلَى رَحْمَتِهِ اللَّهُ تَعَالَى [لهذه] التَّبَوُّه المَسْتَنْصِر فِي أَيَّامِ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا/الامام المَفْتَرِض الطَّاعَةِ عَلَى كَافَّةِ الْأَنَامِ عَبْدُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِهِ وَ وَارِثُ نَبِيِّهِ وَ مُحِبُّ شَرِيعَتِهِ/أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ الْمُسْتَنْصِرِ بِاللَّهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (Salehi et al., 2021, 81).

۱۸. بهنام معرفی شده در این کتیبه، به احتمال قریب به یقین بهنام الرومی، حاکم شوشتر است که به دستور المستنصر در سال ۶۳۱ ه.ق. از حکومت این شهر عزل شد (امام شوشتری، ۱۳۳۱، ۶۱).

۱۹. «قد اتفق الفراغ من عمارة هذه القبة مدفونة فيها المولى المرحوم المغفور ومفخر الأئمة والصُدور حاج الحرمین مولانا نظام الملة والدين محمد بن مرحوم خواجه تاج الدين عبد الله يعرف بزوران طيب الله متواها عامرها و بانيتها أضعف عباد الله تعالى وأحوجهم إلى رحمة و غفرانه أخوه خواجه صدر الدين محمود غفى الله عنها في تاريخ شهر جمادى الآخرة سنة اثني و ستين و سبعمائة الهجرية.»

۲۰. این سردر زیبا در سال ۱۳۷۶ توسط هیأت امنای بقعه خضر نبی تخریب شد. بخش‌های زیادی از این سردر و کتیبه ارزشمند در حال حاضر در اداره میراث فرهنگی شوشتر موجود بوده ولی متأسفانه در خلال تخریب این سردر در بخش انتهایی کتیبه که شامل ماده تاریخ آن است، مفقود شده است (موسوی شوشتری، در دست چاپ، ۱۱۷).

۲۱. در رابطه با واژه زاویه می‌توان به مفاهیمی چون اتاقی مستقل در جایی، اتاقی از اتاق‌های مجموعه یک ساختمان یا مترادف با معنی خانقاه، رباط، مدرسه و آرامگاه اشاره داشت اما با توجه به گسترش صوفی‌گری در ایران تحت حاکمیت ایلخانیان مغول احتمالاً بنا به مجموعه‌ای ترکیبی از خانقاه و آرامگاه تبدیل شده و گنبدخانه فرعی از اجزای اصلی خانقاه بوده است (Ahmadi & Ahmadi Siahpoush, 2021, 182).

۲۲. محمد بن اسمعیل بن عبداللطیف بن غیاث‌الدین محمد بن شیخ الوری کهف‌الدین اسمعیل القصری.

یکپارچگی به همراه داشت و نه تنها بخش مردم‌نشین بلکه مرکز اقتصادی شهر نیز از هسته نیایشی-مذهبی تبعیت کرد. این شهر به دلیل حاکم‌نشین و توجه نظام سیاسی-حکومتی و اولویت یافتن ارزش‌های دینی تحت تأثیر بستر طبیعی، نیازها و فعالیت‌های زیستی متفاوتی با دوره پیش از اسلام را تجربه می‌کند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این پژوهش در ادامه مقاله «جستاری بر سیر تحول سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر پیش از دوره اسلامی» (Afsharbagheri et al., 2025) است که مؤلفه‌های سازمان فضایی شهر در آن بررسی شده‌اند. بر همین اساس جهت بررسی مفهوم سازمان فضایی شهر و مؤلفه‌های آن، به مقاله فوق‌الذکر ارجاع داده می‌شود.

۲. قلعه سلاسل دژی است بسیار بزرگ، دارای حیاط‌های مفصل و متعدد و سربازخانه‌ها و طویله‌ها و حمام‌ها و شبستان‌ها و برج‌ها و باغچه‌ها و قورخانه و نقاره‌خانه و حرم‌خانه و آشپزخانه و قایب‌های متعدد و حوض‌های بزرگ و حصار و خندق که اکنون بیشتر آن ویران و ساختمان‌ها بر هم ریخته شده است» (امام شوشتری، ۱۳۳۱، ۱۲۷).

۳. «اخبارالطوال» (ad-Dinawari, 2004) کتابی نوشته ابوحنیفه دینوری (زاده ۸۱۵ ه.ق.) تاریخ نگار و ریاضیدان ایرانی دوره سامانیان، شامل رویدادهای اجتماعی، نظامی و سیاسی ایران به‌ویژه در ابتدای سده دوم و سوم ه.ق. است. ۴. جزایری شوشتری (۱۳۸۸، ۹۳) در «تذکره شوشتر» ذکر می‌کند: «چون قشون خال‌الذهن به آن حوالی رسیدند و خارها به دست و پای اسبان ایشان نشست، متحیر گردیدند و مدتی در آنجا توقف نمودند تا آنکه شخصی از اهل بلد، خفیه بیرون آمده از عساکر اسلام امان گرفت و ایشان را به راهی دیگر بلدیت نمود که تا سر پل رسیدند و گویند پیریلدی که مزار او در شوشتر معروف است آن شخص است.»

۵. البلادری (Baladhuri, 1985, 247) در مورد ورود اعراب مسلمان به شهر و کشته‌شدن براء بن مالک ذکر می‌کند: «مردمان شوشتر به‌سختی تمام، نبرد می‌کردند. سپاهیان کوفه ناگهان حمله آورده، به دروازه شوشتر رسیدند، در آنجا براء ابن مالک شهادت یافت، خدایش رحمت کند. سرانجام هرمزان و یارانش در پریشانی تمام به شهر بازگشتند... پس از چندی یکی از پارسیان زینهار خواست و بر آن شد که مسلمین را راهی بنمایند که کافران را بر آن آگاهی نباشد و خود اسلام آورد... مرد وی را [اشرس بن عوف] از راه شکافی که در سنگی افتاده بود به نهر دجیل [شاخه اصلی کارون که در ورود به شوشتر به نام شتیت (شطیط) معروف است] آورد و سپس بر فراز شهر برد و هرمزان را به وی بنمود...»

۶. ابوالعباس، احمد بن محمد برمکی اربلی لقب گرفته به شمس‌الدین و شهرت یافته به ابن خلکان، قاضی، تاریخ‌نگار، فقیه، ادیب و نویسنده و مورخ دینی کرد سده هفتم ه.ق. بود.

۷. ابو محمد حجاج بن یوسف ثقفی (۴۰-۹۵ ه.ق.) یکی از مشهورترین حاکمانی بود که به خلافت اموی خدمت می‌کرد.

۸. اشاره به ورود شییب با سپاهش به شهر شوشتر از راه پل بند شادروان دارد که با مطلع شدن حجاج، به دلیل ورود شییب مردم را سرزنش کرد و مردم از حجاج عذرخواهی کردند (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸، ۸۵).

۹. شوشتری (۱۳۶۳، ۵۹۰) در کتاب «تحفه العالم و ذیل التحفه» ذکر می‌کند: «ممکن است در ازمنه سالفه دستوا دهی بوده است متصل به شهر، بعد از آن رفته‌رفته داخل شهر شده است و به همان اسم مانده است.»

۱۰. اسدیپور و ولی عرب (Asadipour & Vali Arab, 2022, 127) درباره دشت خروج اینگونه بیان می‌کند: «دشت خروج یعنی قریب به فلکه فعلی نزدیک

manzar.2024.477793.2312

- Ahmadi Siahpoush, A., Ahmadi, A. A., & Shateri, M. (2020). The process of formation and transformation of the physical-spatial structure of Shushtar in the Sassanid era and the period of transition from Sassanid to Islamic. *Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays*, 5(1), 133–150. https://iaej.sku.ac.ir/article_10211.html?lang=en
- Ahmadi, A., & Ahmadi Siahpoush, A. (2021). Physical transformations in the tomb of Imamzadeh Abdullah in Shushtar: A manifestation of Iranian architecture in the transition from the Seljuk-Khwarezmshahi period to the Ilkhanate period. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, 12(2), 171–187. <https://doi.org/10.30475/isau.2020.215617.1342>
- Al-Salim, K. H. (2021). Philosophy of spatial organization: The holy city case study. *Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)*, 26(1), 17–27. https://www.researchgate.net/publication/382276061_Philosophy_of_Spatial_Organization_the_Holy_City_Case_Study
- Baladhuri, A. (1985). *History of the Arab invasions: The conquest of the lands: A new translation of al-Baladhuri's Futuh al-Buldan* (A. Azarnoush, Trans.). Iranian Cultural Foundation Publications.
- Bal'ami, A. J. M. (1974). *Tarikhnama* (M. T. Bahar, Ed.; Vol. 2). Tabesh.
- Hamawi, Y. b. (2001). *Murjam ul-Buldān* (A. N. Munzavi, Trans.; Vol. 4). Iranian Cultural Heritage Organization.
- Ibn al-Athir, A. A. (1992). *The complete history* (A. Khalili, Trans.). Elmi. (Original work published 628)
- Ibn Battuta, M. B. A. (1997). *The Travels of Ibn Battuta* (M. A. Movahed, Trans.). Sepehr Naqsh.
- Ibn Chaldūn, A. A.. (1964). *Kitab al-Ibar* (A. M. Ayati, Trans.). Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Kashef Dezfuli, S. S. (2020). *Selection treaties and manuscript books of sufism and spiritual sciences*. Armaghan-e Tarikh [The Gift of History].
- Khal'atbari, E., & Sharafi, M. (2010). *The history of kharazm-shahs*. Samt Press.
- Khaledian, S., Karimian, H., Pour Ahmad, A., & Mazaherian, H. (2017). The spatial pattern of Iranian old cities in the transition from the Sassanid to the Islamic period. *Journal of Archaeological Studies*, 8(2), 35–51. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2017.61724>
- Layard, A. H. (1997). *Early Adventures in Persia, Susiana, and Babylonia: Including a Residence among the Bakhtiyari and Other Wild Tribes before the Discovery of Nineveh* (M. Amiri, Trans.). Anzan. (Original work published 1887)
- Mansouri, S. (2007). The spatial organization of Iranian city in two periods: Before and after Islam based on the evidences of Kerman city evolution. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 4(7), 50–60. https://www.bagh-sj.com/article_67.html
- Mansouri, S. A. & Dizani, E. (2016). *Evolution of the spatial system in the city of Qazvin (4th-19th A.D.)*. Nazar Research Center.

فهرست منابع

- اسدیپور، حمید و ولی عرب، مسعود. (۱۴۰۱). شوسترنامه (پژوهشی پیرامون تاریخ سیاسی اجتماعی شوشتر). میراث ماندگار.
- امام شوشتری، محمدعلی. (۱۳۳۱). تاریخ جغرافیایی خوزستان. انتشارات امیرکبیر.
- پوراحمد، احمد و پوراحمد، عطیه. (۱۳۹۳). ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام. شهر پایدار، ۱(۱)، ۳۶-۲۱. <https://sl1nk.com/Sn3iz>
- جزایری شوشتری، سید عبدالله. (۱۳۸۸). تذکره شوشتر (تصحیح و تعلیقات مهدی کدخدای طراحي). نشر تراوا.
- جلالی عزیزیان، حسن. (۱۳۷۴). شهرستان تصوف: زندگی سهلین عبدالله شوشتری. حدیث.
- رازپوش، شهناز. (۱۴۰۰). صفویان (تاریخ سیاسی). در دانشنامه جهان اسلام (ج. ۲۹؛ صص. ۷۲۱-۷۳۲). بنیاد دائرة المعارف اسلامی. <https://sl1nk.com/wtVKF>
- رحیمیه، فرهنگیس و ربوبی، مصطفی. (۱۳۵۰). شناخت شهر و مسکن بومی در ایران، اقلیم گرم و نیمه مرطوب دزفول و شوشتر. انجمن دانشجویان دانشگاه تهران.
- رضوی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). ساختار زندگی شهری ایران دوره اسلامی. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، (۱۳۴)، ۲-۱۷. <https://sl1nk.com/dlXjt>
- شرف‌الدین، محمد مهدی. (۱۴۰۲). تاریخ شوشتر. میراث ماندگار.
- شوشتری، میر عبداللطیف خان. (۱۳۶۳). تحفه العالم و ذیل التحفه (به اهتمام صمد موحد). طهوری.
- عنایت‌الله، رضا؛ کورس، غلامرضا؛ امام شوشتری، محمدعلی و انتظامی، علی اکبر. (۱۳۵۰). آب و فن آبیاری در ایران باستان. شرکت سهامی چاپ.
- لشکری، آرش؛ شریفی نیا، اکبر و مهاجروطن، سمیه. (۱۳۹۳). بررسی و مطالعه معماری و شهرسازی آوه در دوره ایلخانیان. معماری و شهرسازی ایران، ۵(۲)، ۱-۲۰. <https://doi.org/10.30475/isau.2015.61989>
- محمدمرادی، اصغر و جعفرپور ناصر، ساناز. (۱۳۹۲). بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز. معماری و شهرسازی ایران، ۶(۶)، ۸۹-۱۰۲. <https://doi.org/10.30475/isau.2014.61977>
- موسوی شوشتری، سید نعمت‌الله. (در دست چاپ). خاتمه کتاب. در علی محمد چهارمحالی (مؤلف)، فائق البیان. انتشارات میراث فرهنگی.
- میراحمدی، احمد. (۱۴۰۱). بررسی تحول نقش مناره در مساجد ایرانی- اسلامی. معماری‌شناسی، ۵(۲۴)، ۳۸-۲۸. <https://memarishenasi.ir/fa/archive.php?rid=26>
- Abarghouei Fard, H., & Mansouri, S. A. (2021). Reviewing the constituent components of the spatial organization of Iranian city after Islam in the 9th–14th AH travelogues. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(55), 20–29. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.240065.2070>
- ad-Dīnawarī, A. H. (2004). *al-Aḥbār al-ṭiwāl* [Long news]. Nashre Ney.
- Afsharbagheri, A., Omranipour, A., & Vafamehr, M. (2025). An exploration of the pre-Islamic spatial organization evolution within the historic city of Shushtar. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 17(70), 34–43. <https://doi.org/10.22034/>

- Mansouri, S. A., & Hemmati, M. (2021). An evaluation of Persian-speaking researchers' description and interpretations of the spatial organization of cities. *The Monthly Scientific Journal Bagh-e Nazar*, 17(92), 5–18. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.214720.4421>
- Mansouri, S. A., Mokhles, F., Hemmati, M., Abarghuifard, H., & Mohammadzadeh, Sh. (2020). *The spatial system of Iranian City in the Islamic Period*. Nazar Research Center.
- Mansouri, S., & Mohammadzadeh, S. (2018). The changes of Tabriz spatial organization from early Islamic era to Gajar era. *The Monthly Scientific Journal Bagh-e Nazar*, 14(51), 21–32. https://www.bagh-sj.com/article_49425.html
- Mansouri, S. A. (2013). The spatial system in the Islamic City of Iran. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 5162-. https://www.jaco-sj.com/article_3691.html?lang=en
- Masoudi Nejad, R. (2022). A comparative study of social and retail bazaars: Investigating the historical bazaars of Dezful and Shushtar as retail bazaars. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 5(10), 73–100. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111770.html?lang=en
- Moghaddam, A. (2012). A note on the Gargar Irrigation System. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 2(2), 3749-. <https://doi.org/10.22111/ijas.2014.1523>
- Muqaddasi, A. (1982). *Descriptio imperii moslemici* (A.N. Monzavi, Trans.). Sherkat-e Moa'lefan va Motearjeman Iran [Iran Authors and Translators Company]. (Original work published 1877)
- Noghrekar, A., Kaynejad, M. A., & Belali Oskui, A. (2022). Spatial structures of the Ilkhanate governed cities known as the greatness pathways. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 1(2), 47–63. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111701.html?lang=en
- Rawlinson, H. K. (1983). *Notes on a March From Zahab to the foot of Zagros, along The Mountain of khuzistan, (Susiana) and from Thence Through The Province of Luristan To Kermanshah in The Year 1836* (S. Amanollahi, Trans.). Agah. (Original work published 1836)
- Salehi, S., Khazai, M., & Ahmadpanah, S. A. (2021). The structure and visual characteristics of Kufic inscriptions Imamzadeh Abdullah Shoushtar. *Glory of Art (Jelve-y Honar), Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 12(4), 74–85. <https://doi.org/10.22051/jjh.2020.28997.1475>
- Sarfraz, A. A., & Teimoury, M. (2013). Describing the spatial organization of Bishapur city based on archeological findings. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 9–16. https://www.jaco-sj.com/article_3686.html
- Shushtari, Gh. N. (1975). *Majalis al-mumin*. Eslamiyeh.
- Soltanzadeh, H. (2016). Situation of Jameh mosques and their relationship with other important spaces in historical cities. *Human Geography Research*, 48(2), 363–376. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2016.55524>
- Yousefi Far, Sh. (2007). The spreading patterns of Iranian towns in middle ages. *Farhang, Vizhe-ye Tarikh* [Culture, Special for History], 18(56), 217261-. <https://www.sid.ir/paper/88230/fa#downloadbottom> [in Persian]
- Zekavat, K. (2012). Spatial Organization in Urban Design. *Soffeh*, 21(3), 107122-. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100357.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

افشارباقری، آرزو؛ عمرانی پور، علی و وفامهر، محسن. (۱۴۰۴). جستاری بر سیر تحول سازمان فضایی شهر تاریخی شوشتر (از ورود اسلام تا پیش از دوره صفویه). *باغ نظر*، ۲۳ (۱۵۱)، ۳۵-۴۶.

DOI: [10.22034/bagh.2025.540540.5875](https://doi.org/10.22034/bagh.2025.540540.5875)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_231356.html

